



استراحتک (mini break)

موضوع دوم Mini Break ها هستند، یا حالا به استراحتک ترجمه اش کرده ام. چند نمونه دارد. مثلاً وقتی یک پرسش می‌پرسیم از جمع، جواب که می‌گیریم یک حال و هوایی عوض می‌شود. ولی پرسش‌های کلیشه‌ای، بی‌خودی که پرسیده می‌شه برعکس اثر منفی دارد. باید یک پرسش قشنگ باشه، ذهن درگیر شود. علم بهتر است یا ثروت؟ یک‌عمر این پرسش را جواب دادیم و حالا کسی حوصله نداره.

به نظر شما اهمیت سخنرانی در چیست؟ خیلی خوشحال هم هست که یک سؤال خوب پرسیده. این‌ها اثر منفی دارد. یک سؤال باید بپرسیم که ذهن درگیر بشه، دلیلی برای فکر کردن داشته باشیم. خُب، آقا مرد حسابی این‌همه پول دادیم آمدیم کلاس فن بیان اهمیتش را نمی‌دانستم می‌رفتم جاش پفک می‌خریدم.

چه لزومی داره بیایم کلاس فن بیان. این را باید توجه کنیم، یعنی پرسش مفید. کار گروهی خیلی مهمه. حالا دوستانی که MBA خوانده‌اند، MBA خارج از ایران دوره هاش را نگاه کنید همه‌اش کار گروهی است. اصلاً مثل ایران نیست و جالب بود که البته خدا را شکر این جمع خیلی فرهیخته است توی یک جمع دیگه ای چند نفر بودند می‌گفتند: آقا مگه ما بچه‌ایم کار گروهی به ما می‌دی آخه، یعنی چی؟ تازه ناراحت هم می‌شدند.

در صورتی‌که این جزء بدیهیات است مخصوصاً در فن بیان که دیگه جای خود دارد؛ و بحث بعدی عوض کردن موضوع است. دیدید بعضی از معلم‌ها یک درسی می‌دهند.

از یک قسمت کتاب پلی (پخش) می‌کنند می‌خوانند تا یک قسمت باز می‌کنند (توقف می‌کنند) بعد زنگ می‌خوره و می‌ریم؛ یعنی اصلاً متوجه نمی‌شید موضوع داره عوض می‌شه، یک اتفاق جدید می‌افته، یک تیتتر جدید. همین، پلی می‌شه، خواننده می‌شه تا آنجا قطع می‌شه، جلسه بعد از ادامه‌اش پلی می‌شه.

باید کاملاً واضح بگیم آقا من الان همتون می‌دانید راجع به جلبتوجه داریم صحبت می‌کنیم چون یک، دو، سه، چهار نوشته بودیم شماره سه قرمز شده بود. به رنگ قرمز آمده بود یعنی جلبتوجه. کاملاً واضح موضوع عوض شد راجع به فلان موضوع صحبت می‌کنیم و این استراحتک‌ها خیلی خیلی زیاد هستند و هر پنج دقیقه یکبار باید یک استراحتک بدیم، هر پنج دقیقه.

حالا این پنج دقیقه در حالت بهینه است. هر پنج دقیقه کار گروهی بدهیم واقعاً صدای مخاطب‌ها درمی‌آید. باید با ترکیبی از این‌ها و خیلی گزینه‌های دیگر این استراحتک‌ها را پیدا کنیم. یکیش، مثلاً طنز است. اگر نگاه بکنیم توی سخنران‌های خوب می‌توانیم تقریباً حدس بزنیم زمان شوخی بعدیش کی خواهد بود. تقریباً، اصلاً این‌طور نیست که مثلاً هر پنج دقیقه یکبار صلوات شمار داشته باشد، شوخی شد از الآن پنج دقیقه وقت دارم جدی صحبت کنم. نه این‌طور نیست ولی می‌شه ریتمی را به دست آورد. حالا باز در دستورالعمل اجرایی این جلسه ما چنین موضوعی را داریم؛ یعنی شما برای کار خودتان استراحتک‌های مناسب را به دست می‌آورید. مثلاً درج‌هایی واقعاً کار عملی نمی‌شود.

اصلاً مخاطب ناراحت می‌شود. مثلاً من در ارتش برای چند تا از سرهنگ‌ها یک برنامه داشتم، اصلاً با این موضوع کنار نمی‌آیند. هر قدر هم که خواهش کنید کنار نمی‌آیند. خُب این اشتباه است. یا مثلاً شما توی دادگاه بگویید خُب آقای قاضی و موکل ایشان باهم لطفاً راجع به این موضوع صحبت کنید.

من و موکل هم راجع به این موضوع صحبت می‌کنیم، وکیل شما هم نخودی! خُب این نمی‌شه؛ یعنی باید در شرایط بگذرانیم و ببینیم توی کسب‌وکار خودمان، توی تخصص خودمان چطور می‌توانیم از این استراحتک‌ها استفاده کنیم.